|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فصل « آ » | فصل « الف » | **« ب »** |
| آب از دستش نميچكه ! | اجاره نشين خوش نشينه ! | با آل علي هر كه در افتاد ، ور افتاد . |
| آب از سر چشمه گله ! | ارزان خري، انبان خري ! | با اين ريش ميخواهي بري تجريش ؟ |
| آب از آب تكان نميخوره ! | از اسب افتاده ايم، اما از نسل نيفتاده ايم ! | با پا راه بري كفش پاره ميشه، با سر كلاه ! |
| آب از سرش گذشته ! | از اونجا مونده، از اينجا رونده ! | باد آورده را باد ميبرد ! |
| آب پاكي روي دستش ريخت ! | از اون نترس كه هاي و هوي داره، از اون بترس كه سر به تو داره ! | با دست پس ميزنه، با پا پيش ميكشه ! |
| آب در كوزه و ما تشنه لبان ميگرديم ! | از اين ستون بآن ستون فرجه ! | بادنجان بم آفت ندارد ! |
| آب را گل آلود ميكنه كه ماهي بگيره ! | از بي كفني زنده ايم ! | بارون آمد، تركها بهم رفت ! |
| آب كه از سر گذشت، چه يك ذرع چه صد ذرع ـ چه يك ني چه چه صد ني ! | از دست پس ميزنه، با پا پيش ميكشه ! | بار كج به منزل نميرسد ! |
| آب كه سر بالا ميره، قورباغه ابوعطا ميخونه ! | از تنگي چشم پيل معلومم شد --- آنانكه غني ترند محتاج ترند ! | بازي اشكنك داره ، سر شكستنك داره ! |
| آب نمي بينه و گرنه شناگر قابليه ! | از تو حركت، از خدا بركت . | بازي بازي، با ريش بابا هم بازي ! |
| آبي از او گرم نميشه ! | از حق تا نا حق چهار انگشت فاصله است ! | با سيلي صورت خودشو سرخ نگهميداره ! |
| آتش كه گرفت، خشك و تر ميسوزد ! | از خرس موئي، غنيمته ! | با كدخدا بساز، ده را بچاپ ! |
| آخر شاه منشي، كاه كشي است ! | از درد لا علاجي به خر ميگه خانمباجي ! | بالابالاها جاش نيست، پائين پائين ها راش نيست !  (پايين پايين ها جاش نيست، بالا بالا ها راش نيست !) |
| آدم با كسي كه علي گفت، عمر نميگه ! | از دور دل و ميبره، از جلو زهره رو ! | بالاتو ديديم ، پائينتم ديديم ! |
| آدم بد حساب، دوبار ميده ! | از شما عباسي، از ما رقاصي ! | با مردم زمانه سلامي و والسلام ، تا گفته اي غلام توام، ميفروشنت ! |
| آدم تنبل، عقل چهل وزير داره ! | از كوزه همان برون تراود كه در اوست !  (( گر دايره كوزه ز گوهر سازند )) | با نردبان به آسمون نميشه رفت ! |
| آدم خوش معامله، شريك مال مردمه ! | از كيسه خليفه مي بخشه ! | با همين پرو پاچين، ميخواهي بري چين و ماچين ؟ |
| آدم دست پاچه، كار را دوبار ميكنه ! | از ماست كه بر ماست ! | بايد گذاشت در كوزه آبش را خورد ! |
| آدم گدا، اينهمه ادا ؟! | از مال پس است و از جان عاصي ! | با يكدست دو هندوانه نميشود برداشت ! |
| آدم گرسنه، خواب نان سنگك مي بينه ! | از نو كيسه قرض مكن، قرض كردي خرج نكن ! | با يك گل بهار نميشه ! |
| آدم ناشي، سرنا را از سر گشادش ميزنه ! | از هر چه بدم اومد، سرم اومد ! | به اشتهاي مردم نميشود نان خورد ! |
| آرد خودمونو بيختيم، الك مونو آويختيم ! | از هول هليم افتاد توي ديگ ! | به شتره گفتند شاشت از پسه ، گفت : چه چيزم مثل همه كسه ؟! |
| آرزو بر جوانان عيب نيست ! | از يك گل بهار نميشه ! | به شتر مرغ گفتند بار ببر، گفت : مرغم، گفتند : بپر، گفت : شترم ! |
| آسوده كسي كه خر نداره --- از كاه و جوش خبر نداره ! | از اين گوش ميگيره، از آن گوش در ميكنه ! | بعد از هفت كره، ادعاي بكارت ! |
| آسه برو آسه بيا كه گربه شاخت نزنه ! | اسب پيشكشي رو، دندوناشو نميشمرند ! | بقاطر گفتند بابات كيه ؟ گفت : آقادائيم اسبه ! |
| آشپز كه دوتا شد، آش يا شوره يا بي نمك ! | اسب دونده جو خود را زياد ميكنه ! | بچه سر پيري زنگوله پاي تابوته ! |
| آش نخورده و دهن سوخته ! | اسب را گم كرده، پي نعلش ميگرده ! | بچه سر راهي برداشتم پسرم بشه، شوهرم شد ! |
| آفتابه خرج لحيمه ! | استخري كه آب نداره، اينهمه قورباغه ميخواد چكار ؟! | بخور و بخواب كار منه، خدا نگهدار منه ! |
| آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هيچي ! | اگر بيل زني، باغچه خودت را بيل بزن ! | بد بخت اگر مسجد آدينه بسازد --- يا طاق فرود آيد، يا قبله كج آيد ! |
| آمدم ثواب كنم، كباب شدم ! | اگر براي من آب نداره، براي تو كه نان داره ! | به درويشه گفتند بساطتو جمع كن ، دستشو گذاشت در دهنش ! |
| آمد زير ابروشو برداره، چشمش را كور كرد ! | اگه باباشو نديده بود، ادعاي پادشاهي ميكرد ! | بدعاي گربه كوره بارون نمياد ! |
| آنانكه غني ترند، محتاج ترند ! | اگه تو مرا عاق كني، منهم ترا عوق ميكنم ! | بدهكار رو كه رو بدي طلبكار ميشه ! |
| آنچه دلم خواست نه آن شد --- آنچه خدا خواست همان شد . | اگر جراحي، پيزي خود تو جا بنداز ! | برادران جنگ كنند، ابلهان باوركنند ! |
| آنرا كه حساب پاكه، از محاسبه چه باكه ؟! | اگه خير داشت، اسمشو مي گذاشتند خيرالله ! | برادر پشت ، برادر زاده هم پشت |
| آنقدر بايست، تا علف زير پات سبز بشه ! | اگه دعاي بچه ها اثر داشت، يك معلم زنده نمي موند ! | خواهر زاده را با زر بخر با سنگ بكش! |
| آنقدر سمن هست، كه ياسمن توش گمه ! | اگه علي ساربونه، ميدونه شترو كجا بخوابونه ! | برادري بجا، بزغاله يكي هفت صنار ! |
| آنقدر مار خورده تا افعي شده ! | اگه لالائي بلدي، چرا خوابت نميبره ! | براي كسي بمير كه برات تب كنه ! |
| آن ممه را لولو برد ! | اگه نخورديم نون گندم، ديديم دست مردم ! | براي همه مادره، براي ما زن بابا ! |
| آنوقت كه جيك جيك مستانت بود، ياد زمستانت نبود ؟ | انگور خوب، نصيب شغال ميشه ! | براي يك بي نماز، در مسجد و نمي بندند ! |
| **« پ »** | اوسا علم ! اين يكي رو بكش قلم !  (اوسا علم ! درد ورم ! زری نبود توی علم! اين يكي رو بكش قلم !) | براي يه دستمال قيصريه رو آتيش ميزنه ! |
| پا را به اندازه گليم بايد دراز كرد ! | اول بچش، بعد بگو بي نمكه ! | بر عكس نهند نام زنگي كافور ! |
| پاي خروستو ببند، بمرغ همسايه هيز نگو ! | اول برادريتو ثابت كن، بعد ادعاي ارث و ميراث كن ! | به روباهه گفتند شاهدت كيه ؟ گفت: دمبم ! |
| پز عالي، جيب خالي ! | اول بقالي و ماست ترش فروشي ! | بزبون خوش مار از سوراخ در مياد ! |
| پستان مادرش را گاز گرفته ! | اول پياله و بد مستي ! | بزك نمير بهار مياد --- كنبزه با خيار مياد ! |
| پسر خاله دسته ديزي ! | اول ، چاه را بكن، بعد منار را بدزد ! | بز گر از سر چشمه آب ميخوره ! |
| پسر زائيدم براي رندان، دختر زائيدم براي مردان، موندم سفيل و سرگردان ! | اين تو بميري، از آن تو بميري ها نيست ! | بماه ميگه تو در نيا من در ميام ! |
| پسر كو ندارد نشان از پدر --- تو بيگانه خوانش نخوانش پسر ! | اين حرفها براي فاطي تنبون نميشه ! | بمرغشان كيش نميشه گفت ! |
| پشت تاپو بزرگ شده ! | اين قافله تا به حشر لنگه ! | بمرگ ميگيره تا به تب راضي بشه ! |
| پنج انگشت برادرند، برابر نيستند ! | اينو كه زائيدي بزرگ كن ! | بهر كجا كه روي آسمان همين رنگه ! |
| پوست خرس نزده ميفروشه ! | اينهمه چريدي دنبه ات كو ؟! | بمير ولی بدم ! |
| پول است نه جان است كه آسان بتوان داد ! (جون میدن ولی پول نه) | **« ت »** | به گاو و گوسفند كسي كاري نداره ! |
| پول حرام، يا خرج شراب شور ميشه يا شاهد كور ! | تا ابله در جهانه، مفلس در نميمانه ! | بيله ديگ، بيله چغندر ! |
| پولدارها به كباب خوشند، بي پولها به بوي كباب | تابستون پدر يتيمونه ! | **« ج »** |
| [پولش از پارو بالا میرود](https://www.tabirestan.com/index.php?id_title=162&id_amsal=2154)  [پولش توی جیبش سنگینی می کند](https://www.tabirestan.com/index.php?id_title=162&id_amsal=2155)  [پول که زیاد شد خانه تنگ می شود زن زشت](https://www.tabirestan.com/index.php?id_title=162&id_amsal=2162) | تا پريشان نشود كار بسامان نرسد ! | جا تره و بچه نيست ! |
| پول ما سكه عُمَر داره ! | تا تنور گرمه نون و بچسبون ! | هر جای دزد زده تا چهل روز امنه ! |
| پياده شو با هم راه بريم ! | تا كركس بچه دارشد، مردار سير نخورد ! | جايي نميخوابه كه آب زيرش بره ! |
| پياز هم خودشو داخل ميوه ها كرده ! | تا گوساله گاو بشه ، دل مادرش آب ميشه ! | جايي كه ميوه نيست چغندر ، سلطان مركباته ! |
| پيراهن بعد از عروسي براي گل منار خوبه ! | تا مار راست نشه توي سوراخ نميره ! | جواب ابلهان خاموشيست ! |
| پيش از آخوند منبر نرو ! | تا نازكش داري نازكن، نداري پاهاتو دراز كن ! | جواب هاي، هويه ! |
| پيش رو خاله، پشت سر چاله ! | تا نباشد چيزكي مردم نگويند چيزها ! | جواني كجائي كه يادت بخير ! |
| پيش قاضي و معلق بازي ! | تا هستم بريش تو بستم ! | جوجه را آخر پائيز ميشمرند ! |
| **« چ »** | تب تند عرقش زود در مياد ! | جون بعزرائيل نميده ! |
| چار ديواري اختياري ! | تخم دزد، شتر دزد ميشه ! | جيبش تار عنكبوت بسته ! |
| چاقو دسته خودشو نميبره ! | تا تو فكر خر بكني ننه، منو در بدر ميكني ننه ! | جيگر جيگره ، ديگر ديگره ! |
| چاه كن هميشه ته چاهه ! | ترب هم جزء مركبات شده ! |  |
| چاه مكن بهر كسي، اول خودت، دوم كسي ! | ترتيزك خريدم قاتق نونم بشه، قاتل جونم شد ! |  |
| چاه نكنده منار دزديده ! | تعارف كم كن و بر مبلغ افزا ! |  |
| چرا توپچي نشدي ! | تغاري بشكنه ماستي بريزد --- جهان گردد به كام كاسه ليسان ! |  |
| چراغي كه به خونه رواست، به مسجد حرام است ! | تف سر بالا، بر ميگرده بريش صاحبش ! |  |
| چشته خور بدتر از ميراث خوره ! | تنبان مرد كه دو تا شد بفكر زن دوم ميافته ! |  |
| چشمش آلبالو گيلاس مي چينه ! | تنبل مرو به سايه، سايه خودش ميآيه ! |  |
| چنار در خونه شونو نمي بينه ! | تنها بقاضي رفته خوشحال برميگرده ! |  |
| چوب خدا صدا نداره ، هر كي بخوره دوا نداره ! | تو از تو، من ازبيرون ! |  |
| چوب دو سر طلا ست ! | تو بگو (( ف )) من ميگم فرحزاد ! |  |
| چوب را كه برداري، گربه دزده فرار ميكنه ! | توبه گرگ مرگه ! |  |
| چوب معلم گله، هر كي نخوره خله ! | توي دعوا نون و حلوا خير نميكنند ! |  |
| چو دخلت نيست خرج آهسته تر كن | **« خ »** |  |
| چه عزائيست كه مرده شور هم گريه ميكنه ! | خاك خور و نان بخيلان مخور ! |  |
| چه  علي خواجه، چه خواجه علي ! | خال مهرويان سياه و دانه فلفل سياه --- هر دو جانسوز است اما اين كجا و آن كجا ؟! |  |
| چه مردي بود كز زني كم بود ! | خاله ام زائيده، خاله زام هو كشيده ! |  |
| چيزي كه شده پاره، وصله ور نمي داره ! | خاله سوسكه به بچه اش ميگه : قربون دست و پاي بلوريت ! |  |
| چيزي كه عوض داره گله نداره ! | خانه اي را كه دو كدبانوست، خاك تا زانوست ! |  |
|  | خانه اگر پر از دشمن باشه بهتره تا خالي باشه ! |  |
|  | خانه دوستان بروب و در دشمنان را مكوب ! |  |
|  | خانه قاضي گردو بسياره شماره هم داره ! |  |
|  | خانه نشيني بي بي از بي چادريست ! |  |
|  | خدا به آدم گدا، نه عزا بده نه عروسي ! |  |
|  | خدا برف را به اندازه بام ميده ! |  |
|  | خدا جامه ميدهد كو اندام ؟ نان ميدهد كو دندان ؟ |  |
|  | خدا خر را شناخت، شاخش نداد ! |  |
|  | خدا دير گيره، اما سخت گيره ! |  |
|  | خدا را بنده نيست ! |  |
|  | خدا روزي رسان است، امااِهني هم مي خواد ! |  |
|  | خدا سرما را بقدر بالا پوش ميده ! |  |
|  | خدا گر ببندد ز حكمت دري --- ز رحمت گشايد در ديگري ! |  |
|  | خدا ميان دانه گندم خط گذاشته ! |  |
|  | خدا ميخواهد بار را بمنزل برساند من نه، يك خر ديگه ! |  |
|  | خدا نجار نيست اما در و تخته رو خوب بهم ميندازه ! |  |
|  | خدا وقتي بخواد بده، نميپرسه تو كي هستي ؟ |  |
|  | خدا همه چيز را به يك بنده نمي ده ! |  |
|  | خدا همونقدر كه بنده بد داره، بنده خوب هم داره ! |  |
|  | خدا يه عقل زياد بتو بده يه پول زياد بمن ! |  |
|  | خر، آخور خود را گم نميكنه ! |  |
|  | خر، ار جل  ز اطلس بپوشد خر است ! |  |
|  | خر است و يك كيله جو ! |  |
|  | خر از لگد خر ناراحت نميشه ! |  |
|  | خر باربر، به كه شير مردم در ! |  |
|  | خر به بوسه و پيغام آب نمي خوره ! |  |
|  | خربزه شيرين مال شغاله !  خربزۀ خوب نصیب کفتار میشود |  |
|  | خربزه كه خوردي بايد پاي لرزش هم بشيني ! |  |
|  | خربزه ميخواهي يا هندوانه : هر دو دانه ! |  |
|  | خربيارو باقلا بار كن ! |  |
|  | خرج كه از كيسه مهمان بود --- حاتم طايي شدن آسان بود ! |  |
|  | خر چه داند قيمت نقل و نبات ؟ |  |
|  | خر خالي يرقه ميره ! |  |
|  | خر، خسته - صاحب خر، ناراضي ! |  |
|  | خر خفته جو نمي خوره ! |  |
|  | خر ديزه است، به مرگ خودش راضي است تا ضرر بصاحبش بزنه ! |  |
|  | خر را با آخورميخوره، مرده را با گور ! |  |
|  | خر را جايي مي بندند كه صاحب خر راضي باشه ! |  |
|  | خر را كه به عروسي ميبرند، براي خوشي نيست براي آبكشي است ! خر را به عروسی میبرند تا آب و هیمه بارش کند خران را کسی در عروسی نخواند، مگر آن زمان کاب و هیزم نماند |  |
|  | خر را گم كرده پي نعلش ميگرده ! |  |
|  | خر، رو به طويله تند ميره ! |  |
|  | خرس در كوه، بو علي سيناست ! |  |
|  | خرس شكار نكرده رو پوستشو نفروش ! |  |
|  | خر، سي شاهي ، پالون دو زار ! |  |
|  | خر كه جو ديد، كاه نميخوره ! |  |
|  | خر، كه علف ديد گردن دراز ميكنه ! |  |
|  | خر گچ كش روز جمعه از كوه سنگ مياره ! |  |
|  | خر لخت راپالانشو بر نميدارند! |  |
|  | خر ما از كرگي دم نداشت ! |  |
|  | خر ناخنكي صاحب سليقه ميشود ! |  |
|  | خروار نمكه، مثقال هم نمكه ! |  |
|  | خر وامانده معطل چشه ! |  |
|  | خروسي را كه شغال صبح ميبره بگذار سر شب ببره ! |  |
|  | خر، همان خره پالانش عوض شده ! |  |
|  | خريت ارث نيست بهره خداداده س ! |  |
|  | خري كه از خري وابمونه بايد يال و دمشو بريد ! |  |
|  | خوشبخت آنكه خورد و كِشت، بدبخت آنكه مرد و هِشت ! |  |
|  | خواب پاسبان، چراغ دزده ! |  |
|  | خنده كردن دل خوش ميخواد و گريه كردن سر وچشم ! |  |
|  | خواهر شوهر، عقرب زير فرشه ! |  |
|  | خواست زير ابروشو برداره، چشماشو كور كرد ! |  |
|  | خواهي نشوي رسوا همرنگ جماعت شو ! |  |
|  | خوبي لر به آنست كه هر چه شب گويد روزنه انست ! |  |
|  | خودتو خسته ببين، رفيقتو مرده ! |  |
|  | خودشو نميتونه نگهداره چطور منو نگهميداره ؟ |  |
|  | خود گوئي و خود خندي، عجب مرد هنر مندي ! |  |
|  | خودم كردم كه لعنت بر خودم باد ! |  |
|  | خوردن خوبي داره ، پس دادن بدي ! |  |
|  | خوشا بحال كساني كه مردند و آواز ترا نشنيدند ! |  |
|  | خوشا چاهي كه آب از خود بر آرد ! |  |
|  | خوش بود گر محك تجربه آيد بميان --- تا سيه روي شود هر كه دراو غش باشد . |  |
|  | خوش زبان باش در امان باش ! |  |
|  | خولي بكفم به كه كلنگي بهوا ! |  |
|  | يك ده آباد به از صد شهر خراب ! |  |
|  | خونسار است و يك خرس ! |  |
|  | خير در خانه صاحبش را ميشناسد ! |  |
|  | خيك بزرگ، روغنش خوب نميشه ! |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |
|  |  |  |